



مصرف لیبیات کمتر از نیاز روزانه

مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت گفت: «مصرف لیبیات در کشور ما به اندازه یک واحد در روز است، در حالی که نیاز ما در کشور مصرف روزانه دو تا سه واحد لیبیات است. این نیاز در کودکان و افراد سالمندی که مبتلا به یوگی استخوان هستند و زنان باردار و شیرده، اهمیت دوچندان دارد.» احمد اسماعیل زاده درباره آخرین وضعیت اجرای برنامه «شیرمدرسه» به ایسنا گفت: «این برنامه در مدارس ابتدایی دولتی آغاز شده است. براساس آخرین آمار - به غیر از دو استان که مشکلاتی در تامین شیر استریلیزه دارند- در سایر استان ها این برنامه جاری است و دوستان ما در وزارت آموزش و پرورش در حال تلاش هستند تا این برنامه در آن دو استان هم با روال عادی اجرایی شود.»



بازماندگی از تحصیل ۳۰ هزار دانش آموز

معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش، با اعلام اینکه حدود ۲۰۰ هزار کودک از تحصیل در مقطع ابتدایی بازمانده اند، گفت: «بررسی ها نشان می دهد که تعدادی از این کودکان، فوت کرده و والدین اعلام فوت نکرده اند. برخی مهاجرت کرده یا در شهر دیگری مشغول به تحصیل شده اند. گروهی هم به دلیل معلولیت خاصی، امکان ادامه تحصیل نداشتند.» معصومه نجفی یازوکی به ایسنا گفت: «سازمان بهزیستی آماری حدوداً ۳۰ هزار نفری از بازماندگان تحصیل دارای معلولیت را اعلام کرده که امکان رفتن به مقطع ابتدایی ما کاهش پیدا کرده است. آخرین بار به عددی حدود ۱۴۰ هزار نفر بازمانده از تحصیل مقطع ابتدایی رسیدیم اما این آمار نیز به روز نیست و آمار اصلی بازماندگان از تحصیل خیلی کمتر است؛ چراکه بسیاری از این ۱۴۰ هزار نفر طی سال گذشته جذب مدرسه و آموزش شدند.»



شکست ساماندهی کودکان کار

معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران با اعلام اینکه طرح جمع آوری کودکان کار و خیابان در ۳۳ مرحله گذشته با شکست مواجه شده، از تشکیل اکیپ‌های مددکاری برای ساماندهی کودکان کار و خیابان خبر داد. محمدامین توکلی زاده، درباره طرح شهرداری تهران برای ساماندهی کودکان کار و خیابان به ایسنا گفت: «تلاطم این طرح‌ها در ۳۳ مرحله با شکست مواجه شده بود اما تفاوت این مرحله با طرح‌های قبلی در این است که به موضوعاتی که در گذشته باعث شکست طرح می شده است، دقت کرده ایم و غربالگری کودکان و مراکز نگهداری را حذف کرده ایم و باید کودک را با تدارک ویژه‌ای که تهیه کرده ایم به خانواده بازگردانیم. این تدارک هم با کار مددکاری پیش می رود در واقع همکاران مددکار ما در صف اول کار کودکان با تخصص و تجربه در ۳۳ مرحله قبل قرار دارند.» او ادامه داد: «یکی از مهمترین اقدامات ما این است که با باندهایی که از کودکان سوءاستفاده می کنند حتماً برخورد می کنیم و در برخورد با این افراد اصلاً کوتاه نمی آیم. فراجا هم پای کار آمده و این افراد و محل تبادل کودکان و پاتوق‌هایی که در واقع این اتفاق در آنجا می افتد در حال شناسایی است. قوه قضائیه احکام سنگینی را برای باندهای سوداگری در حوزه کودک در نظر گرفته است.»



راه سخت مدرسه

گزارش هم‌میهن از شرایط دشوار تردد دانش‌آموزان و معلمان مناطق دورافتاده به مدارس و حوادثی که برای شان رخ می‌دهد



شادی مکی

خبرنگار گروه جامعه

طعمه گرگ شدن در برف و بوران، مرگ بر اثر سرمازدگی، تصادف و مصدومیت در حوادث جاده‌ای و در یک جمله «ایستادن بر سر دوراهی علم و جان» قصه تلخ دانش‌آموزان و معلمان بسیاری از مناطق محروم و دورافتاده کشور است که ناچارند برای حضور در مدرسه جاده‌های صعب‌العبور و غیراستاندارد را پشت سر بگذارند. ماجرا تنها حکایت یکی، دو سال اخیر نیست. سال هاست که دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار روستایی و معلمان آنها در طول سال تحصیلی ناچارند از مسیرهای غیرمتعارف خود را به مدرسه برسانند. فعالان حوزه آموزش می‌گویند که اسکان معلمان در روستای محل تدریس، موضوعی است که چندان هم مورد توجه آموزش و پرورش قرار نگرفته و هزینه ایاب و ذهاب دانش‌آموزان و معلمان از محل سکونت تا روستای محل مدرسه هم در بیشتر مناطق به دست فراموشی سپرده شده است. «اعتبارات آموزش و پرورش گاهی برای پرداخت حقوق معلمان هم کفایت نمی‌کند، چه رسد به اختصاص اعتبارات برای حل این نوع مشکلات.» این جمله جان کلام وضعیت آموزش و پرورش در مناطق محروم است که پیامدهای آن در نهایت سرنوشت دانش‌آموزان این مناطق را با چالش جدی مواجه می‌کند: دانش‌آموزانی که یا باید طعم محرومیت از تحصیل را کشیده و به دلیل ناامنی مسیر تردد یا ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر برای همیشه خداحافظی کنند یا اینکه ریسک به خطر افتادن سلامت‌شان را در جاده‌های نامنم به‌ویژه در فصل سرد، به امید آینده‌ای بهتر و امن‌تر به جان بخردند. وقوع حوادث پرتکرار در مسیر تردد البته طی یکی، دو سال گذشته کم شده و آنطور که معلمان این مناطق می‌گویند، دلیل این کاهش نه بهبود جاده‌های مواصلاتی، بلکه کاهش بارش‌های سالانه است. دانش‌آموزان و معلمان در صورتی که ناچار به تردد جاده‌ای از خانه به مدرسه و برعکس باشند، همچنان با بارش سنگین برف و باران با خطرات ناشی از حوادث جاده‌ای مواجه خواهند شد.

محرومیت از عدالت آموزشی

دانش‌آموزان و معلمان کردستانی در جرگه همین گروه‌های در معرض خطر قرار می‌گیرند: کردستان که در منطقه‌ای سردسیر و کوهستانی واقع شده و جاده‌های مواصلاتی آن صعب‌العبورند. این وضعیت، به‌ویژه در فصل سرد سال با بارش‌های سنگین سخت‌تر می‌شود. آموزش و پرورش منطقه زبویه از توابع شهرستان سقز به مرکزیت شهر صاحب، یکی از مناطقی است که در زخم‌هایی عمیق از معضل تردد معلمان و دانش‌آموزان به مدارس در فصل سرد بر تن دارد. آمارهای ارائه‌شده توسط معلمان این منطقه حاکی از آن است که زبویه ۱۲۶ روستا دارای سکنه و دانش‌آموز دارد و حدود ۹۰ درصد مدارس این منطقه، روستایی‌اند.

در راه‌ماندن

درصد بالایی از مدارس استان کردستان در مناطق کوهستانی واقع شده و جاده‌های این مناطق صعب‌العبور هستند. در فصل سرد و بارندگی، مشکلات بسیاری برای معلمان و دانش‌آموزان ایجاد می‌شود. بیشتر معلمان این مناطق چاره‌ای جز تردد در این جاده‌ها ندارند به این معنی که صبح‌ها برای تدریس به مناطق روستایی می‌روند و بعد از پایان ساعت کاری، به محل زندگی خود در شهر بازمی‌گردند. «اینجا را انور فرج‌زاده، معلم بازنشسته این منطقه به هم‌میهن می‌گوید. جز مشکل جدا بودن معلم از محیط روستا و دانش‌آموزان، تردد معلمان به مدارس - به‌ویژه در فصل سرد سال - چالش دیگری است؛ موضوعی که فرج‌زاده به آن اشاره می‌کند: «نبود جاده‌های استاندارد و آسفالت شده، همچنین خاکی بودن محورهای مواصلاتی باعث بروز مشکلاتی در مسیر تردد معلمان شده است. نتیجه این اتفاقات، تعطیلی مدارس و

عقب‌افتادن دانش‌آموزان و معلمان از درس هاست؛ موضوعی که برای معلم و دانش‌آموز آسیب‌زاست؛ چراکه معلم باید به‌موقع و مطابق جدول زمان‌بندی، تدریس را به پایان برساند و تعطیلی یکی، دو روزه مدرسه باعث قطع شدن روال معمول کلاس‌ها می‌شود. او میزان عقب‌افتادگی دانش‌آموزان از درس و مدرسه را بسته به میزان مسافت روستا تا شهر می‌داند: «اگر روستا نزدیک به شهر یا راه‌های مواصلاتی اصلی باشند، معمولاً مدرسه یک روز تعطیل می‌شود و بعد از آن با توجه به برقراری جاده‌ها معلمان دوباره سر کلاس حاضر می‌شوند. اما در روستاهایی که در نقطه‌ای دورتر از جاده‌های مواصلاتی اصلی قرار دارند، این مسئله چندروزی طول می‌کشد. در سال‌های گذشته پیش آمده که معلمان حدود یک هفته نتوانستند خودشان را به مدرسه برسانند، البته امسال این مشکل تنها یک‌بار و به‌مدت دو روز پیش آمد. در سال‌های گذشته اما این معضل بیشتر رخ می‌داد و گاهی در طول سال تحصیلی، مدارس به‌صورت متناوب بیش از ۱۰ روز تعطیل می‌شدند.»

معلمانی که طعمه گرگ شدند

این معلم بازنشسته به‌یاد می‌آورد که در سال ۱۳۸۴ یا ۱۳۸۵، یکی از معلمان منطقه زبویه هنگام تردد به مدرسه جان خود را در تصادف از دست داد: «در سال‌های گذشته حدود ۲۰ حادثه برای معلمان در مسیر تردد رخ داده که آخرین آن در سال گذشته پیش آمد. مثلاً در منطقه «اوباتو» مواردی از حمله گرگ به معلم در برف و بوران را شاهد بودیم، دلیل این حوادث هم نبود وسیله مناسب برای تردد معلم از محل زندگی به مدرسه بوده است. حتی در چند حادثه، معلم طعمه گرگ شده و جان خود را از دست داده است. آخرین حادثه به این شکل حدود ۱۰ سال پیش رخ داد. برخی معلمان هم در سال‌های گذشته دچار سرمازدگی شده‌اند و جان خود را در برف و بوران از دست داده‌اند. علت برخندان این حوادث در یکی دو سال اخیر همانطور که گفتیم، نباریدن است، نه بهبود مسیرها. درباره دانش‌آموزان مشخصاً حادثه‌ای را به‌یاد نمی‌آورم اما با توجه به صعب‌العبور و غیراستاندارد بودن جاده‌ها احتمالاً حوادثی مانند واژگون‌ی خودرو... رخ می‌دهد. گاهی نیز به‌دلیل ضعف در امکانات رسانه‌ای، کسی از حوادث رخ داده آگاه نمی‌شود. «این معلم حرف‌های دیگری هم دارد: «البته دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول مناطق روستایی نیز برای تردد، مشکل دارند. به‌این دلیل که تعداد این دانش‌آموزان در روستاهای مختلف به حد نصاب نمی‌رسد و برای شان کلاس درس تشکیل نمی‌شود، در نتیجه دانش‌آموزان چند روستا چاره‌ای ندارند جز اینکه برای درس خواندن در این مقطع به روستای دیگری بروند که مقطع متوسطه اول در آن ایجاد شده است. بعد از کلاس هم به روستای محل سکونت خود بازگردند. در این مسیر هم برخی از دانش‌آموزان با مشکل مواجه می‌شوند.»

نبود عدالت آموزشی

آیا شرایط مسیریهای مواصلاتی تغییری کرده و اگر برف و باران سنگین بیارد، دوباره شاهد تعطیلی مدارس در مناطق روستایی خواهیم بود؟ این معلم بازنشسته پاسخ می‌دهد: «بله، برای بهبود شرایط جاده‌ها تاکنون هیچ اقدام مثبتی انجام نشده. جاده‌ها همان جاده‌های قدیمی است و اگر بارش‌ها مانند قبل سنگین شوند، بار دیگر مدارس با تعطیلی مواجه می‌شوند. بسیاری از این دانش‌آموزان وسیله حمل‌ونقل مناسبی برای تردد ندارند، تعدادی از آنها پیاده تردد می‌کنند و گروه دیگری نیز با ماشین‌های کشاورزی مانند تراکتور و... به مدرسه می‌روند. این مشکل بچه‌ها نیز به نبود عدالت آموزشی بازمی‌گردد. در سال‌های گذشته بودجه‌ای در آموزش و پرورش وجود داشت تحت عنوان «بودجه تردد دانش‌آموز» این بودجه در اختیار والدین دانش‌آموزان قرار می‌گرفت تا برای بچه‌هایی که برای ادامه تحصیل به روستایی دیگر می‌روند، سرویس ایاب و ذهاب بگیرند. اما مدتی است که این بودجه هم به اولیاء پرداخت نمی‌شود.»

این وضعیت سبب شده تا دانش‌آموزان ترک تحصیل کند یا با هزینه شخصی خود رفت‌وآمد کند. به‌جز مسائل مالی، موضوع امنیت

جانی دانش‌آموزان هم مطرح است: «اگر هیچ حادثه‌ای هم برای آنها رخ ندهد، این دانش‌آموزان ناچارند صبح بسیار زود به سمت روستای محل تحصیل حرکت کنند و بعد از کلاس نیز مسیری نسبتاً طولانی برای رسیدن به روستای محل سکونت خود طی کنند؛ وضعیتی که به‌شدت آنها را خسته می‌کند.» او برقراری عدالت آموزشی را یکی از معضلات لاینحل آموزش و پرورش می‌داند: «حتی اگر برف و باران و تعطیلی مدارس هم نباشد ما عدالت آموزشی نداریم. شرایط تحصیل دانش‌آموز شهری و روستایی بسیار متفاوت و فقدان عدالت آموزشی کاملاً مشخص است. کیفیت پایین کلاس‌های درس، کمبود و قدیمی بودن امکانات آموزشی و کمک آموزشی و فقدان دسترسی یا دسترسی کم به اینترنت معضلی است که معلمان و دانش‌آموزان در مناطق روستایی و کم‌برخوردار با آن مواجه‌اند. تلاش کردیم نقض عدالت آموزشی به حداقل برسد، با این حال از سوی مسئولان محلی، مسئولان بالاتر و برنامه‌ریزان آموزشی کشور تلاشی را در این خصوص شاهد نبودیم.»

نبرد با جاده‌ها و کلاس‌های غیراستاندارد

تحصیل و تدریس در برخی مناطق استان محروم لرستان هم روایت دیگری است: استانی که از نظر شاخص فلاکت در کشور رتبه‌ای قابل توجه دارد و از نظر شاخص‌های آموزشی، آخرین رتبه‌های کشوری را به خود اختصاص داده است. وضعیت سخت تردد در جاده‌ها ناشی از همین محرومیت است که در رابطه‌ای علی و معلولی بسترساز افت آموزش در کشور شده است.

شهرستان الیگودرز، ازنا و دلفان دارای مناطق و روستاهایی به‌شدت برفگیر و راه‌های روستایی شان باریک و غیراستاندارد است و با هر بارش سنگین برف، راه‌های روستایی مسدود می‌شوند. یکی از فعالان آموزشی استان که نتوانست نامش در گزارش بیاید، در این باره به هم‌میهن می‌گوید: «در شهرستان‌های چگینی و پلدختر نیز بارندگی و سیلاب باعث ایجاد حادثه، ریزش‌ها و مسدود شدن راه‌های مواصلاتی روستایی می‌شود.» چندسال پیش معلمی به‌نام کاظم صفرزاده از شهرستان چگینی حین رد کردن تعدادی از دانش‌آموزان خود از جاده گرفتار سیلاب شد و جان خود را از دست داد؛ خاطره تلخی که این معلم، آن را به یاد می‌آورد و می‌گوید: «منطقه ضرون و هومیان واقع در کوه‌دشت شمالی نیز از مناطق عشایری است که از نظر تردد دانش‌آموزان و معلمان به مدرسه به‌ویژه در زمان بارش‌ها با مشکلات زیادی مواجه است. معلمان بیشتر این مناطق ناچارند برای تدریس از محل زندگی خود به این مناطق تردد کنند و از نامناسب بودن جاده‌های این مناطق به‌شدت گلایه دارند، زیرا با کوچک‌ترین بارندگی تردد در جاده‌های این مناطق مشکل می‌شود و تنها با تراکتور و خودروهای شاسی‌بلند می‌توان به این مناطق تردد کرد. در سایر مناطق استان این نوع مشکلات کمتر است.» به گفته این فعال فرهنگی، بارش‌ها باعث وقفه‌های چندروزه در روند آموزشی شده و تا باز شدن مسیرها مدارس تعطیل می‌شوند. این تعطیلی‌ها هم افت تحصیلی دانش‌آموزان را دنبال دارد: «مشکلات دانش‌آموزان و معلمان در طول فصل سرد به همین موضوع ختم نمی‌شود، بلکه استاندارد نبودن وسایل گرمایشی در روستاهای محروم عشایری به‌شدت حادثه‌آفرین است. اگر چه امروز وضعیت کمی بهتر است اما در سال‌های گذشته در سطح استان شاهد سوختگی دانش‌آموزان به‌دلیل استفاده از لوازم گرمایشی غیراستاندارد بوده ایم. مدارس کانکسی استان نیز خطرآفرین‌اند. در فضای کوچک و سرد این کلاس‌ها، گاهی ۱۵ تا ۲۰ دانش‌آموز حضور دارند. استفاده از هر نوع وسایل گرمایشی در این کلاس‌های غیراستاندارد، می‌تواند بمر آموزش دانش‌آموزان تأثیری منفی بر جای گذارد. مواردی بوده که به‌دلیل اتصالات برقی و گازی موجود در کانکس، حادثه رخ داده است. مدارس کانکسی باید جمع‌آوری شوند اما این مسئله به‌دلیل کمبود اعتبارات با کندی پیش می‌رود.» او این وضعیت را یکی از مهم‌ترین علل ترک تحصیل دانش‌آموزان در این مناطق می‌داند: «البته بسیاری از معلمان نیز رغبت ندارند در مدارس دورافتاده تدریس کنند که علت آن هم همین سختی‌ها و خطرات تردد است. گاهی سهمه از آغاز سال تحصیلی می‌گذرد و هنوز یکی از مدارس روستایی، معلم ندارد. بسیاری از مدارس روستا به‌دلیل صعب‌العبور بودن مسیر و نبود معلم، منحل می‌شوند و اگر در چنین روستاهایی تعداد دانش‌آموزان کم باشد و امکان مهاجرت هم برای خانواده وجود نداشته باشد، غالباً دانش‌آموز ناچار به ترک تحصیل می‌شود.»

او ادامه می‌دهد: «وضعیت کلی نسبت به ۱۰ سال پیش بهتر است، بارندگی‌ها هم کاهش یافته اما در مناطق الیگودرز و دلفان مشکلات مسدود شدن مسیرها و سختی تردد محصلین و معلمان هم بیشتر است.» این فعال آموزشی عملکرد نمایندگان لرستان در مجلس را ضعیف توصیف می‌کند و می‌گوید: «اگر راه‌های روستایی